

دعای علم و دین در غرب سیاسی است نه علمی / پساکولاریسم و دین

سید مرتضی هاشمی گفت: دعای میان علم و دین بیشتر یک دعای سیاسی بوده است تا یک بحث علمی. پساکولاریسم آگاهی به گسست روایت های سکولاریستی در تضعیف قطعی دین و دین داری است.

سید مرتضی هاشمی گفت: دعای میان علم و دین بیشتر یک دعای سیاسی بوده است تا یک بحث علمی. پساکولاریسم آگاهی به گسست روایت های سکولاریستی در تضعیف قطعی دین و دین داری است.

به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین نشست رسانه های علوم انسانی و نیازهای جامعه با موضوع خدا باوری و خدا ناباوری در عصر پساکولار دیروز در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی سید مرتضی هاشمی برگزار گردید. سید مرتضی هاشمی مدنی مدرک دکترایش را از دانشگاه وارپک انگلستان در سال ۲۰۱۶ اخذ کرده و دو سال در دانشگاه کاونتری به تدریس نظریه های جامعه شناسی و جامعه شناسی رسانه پرداخته است. او در این سخنرانی از استدلال اصلی و فرآیند نگارش رساله اش می گوید.

سخنرانی هاشمی از طریق ویدئو کنفرانس برگزار شد. وی در ابتدا گفت: پیرامون رساله دکتری خودم می خواهم صحبت کنم که ۶ سال از جوانی ام را صرف آن کرده ام.

وی به کتاب «لایق دین برای خدا ناباوران» نوشته آلن دوباتن اشاره کرد و افزود: کسانی هستند که به خدا اعتقادی ندارند اما به دین اعتقاد دارند. تا حدود قرن ۱۸ خدا ناباوری همچون ناسزا بود اما امروزه به عنوان یک تفکر مطرح است. مثلاً سقراط در دادگاه متهم می شود به خدا ناباور بودن یا مارتین جاستین که یکی از اولین مسیحیان بود و ۱۶۰ سال بعد از عیسی مسیح زندگی می کرد می گوید که مرا به خدا ناباوری متهم می کنند در حالی که من خدایان رومی را انکار کردم ولی خدای خودم را قبول دارم.

وی ادامه داد: آن چیزی که تمام این ها را به هم مرتبط می کند این است که خدا ناباوری تفکری بوده که تا قرن ۱۸ همواره مورد هجوم بوده است. اما بعد از این دوران خدا ناباوری با هیوم شروع می شود و به همین دلیل در دانشگاه اسکاتلند به او کار نمی دهند. سپس در قرن ۱۹ به نظریه تطور انواع داروین می رسیم که با قرائت تحت اللفظی (لیترالیستی) از باور به خدا ناسازگار بود.

وی افزود: تفکر لیترالیستی در اسلام سلفی ها هستند و در مسیحیت پیورتن ها. تفکر تحت اللفظی باعث می شود ما بگوییم خلقت انسان از ۶ هزار سال پیش است. در صورتی که منظور انجیل از سال، همین سال هایی که ما تعریف کرده ایم نیست.

مرتضی هاشمی در ادامه با اشاره به این که اولین شخص که نظریه داروین را با خدا ناباوری گره زد هاگسلی بود افزود: او بود که گفت به جای معارف دینی علوم بر اساس نگاه داروین را در مدارس تدریس کنید.

هاشمی گفت: دعای میان علم و دین بیشتر یک دعای سیاسی بوده است تا یک بحث علمی. یکی از افراد مهمی که تفکر نو خدا باوری دارد دانیل دینت است و ریچارد دوکینز. کتاب ریچارد دوکینز در ایران پندار خدا ترجمه شده است که اشتباه است. اسم اصلی کتاب توهم خدا است. یکی از بهترین کتاب های دانیل دینت که تفکر این گروه را به خوبی نشان می دهد نیز ایده خطرناک داروین نام دارد.

مرتضی هاشمی ادامه داد: خدا ناباوری دین دارانه از حدود سال ۲۰۰۵ آغاز شده است. پتر اسلوتردایک، اسلاوی ژیتک و آلن دوباتن از متفکرانی هستند که این دیدگاه را دارند. دوباتن خدا ناباوری توریستی را توصیه می کند. یعنی نگاه به میراث دینی و بناهای دینی به عنوان میراث مقدس و محترمی که از لحاظ تاریخی می تواند مورد احترام باشد. دین مسیحیت باعث شده معماری، هنر و موسیقی مخصوص به این دوره را داشته باشیم و از لحاظ تاریخی و فرهنگی ارزشمند است. همچنین اسلوتردایک از دین به مثابه سیستم های انتروپوتکنیک یاد می کند.

وی افزود: یعنی دین مجموعه ای از تکنیک ها برای باز آفرینی خود است. دین را مانند ورزش بدن سازی می داند با این تفاوت که از لحاظ روحی و آرامش و ... انسان را می سازد. پیچیده ترین نگاه را در این بین اسلاوی ژیتک دارد. او می

گوید لحظه‌ی مصلوب شدن عیسی مسیح به خدا می‌گوید که تو مرا رها کردی و این لحظه‌ای است که عیسی مسیح خدا ناباور می‌شود پس همه ما هم باید مثل او خدا ناباور شویم.

وی در ادامه با اشاره به اینکه انقلاب در مطالعات مدرنیته در حال شکل‌گیری است افزود: دوگانه‌های مدرنیسم و دین‌داری، عقل و ایمان، علم و دین و ... امروز دیگر مطرح نیست و بین این مفاهیم وابستگی وجود دارد. پیتر برگر کتابی دارد با عنوان سکولارزدایی جهان. او در این کتاب دوگانه‌نگری را نفی می‌کند و می‌گوید مردم دنیا امروز روز به روز دارند دین‌دارتر می‌شوند. جالب اینجاست که پیتر برگر از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان سکولاریزاسیون بوده است.

وی گفت: در حال حاضر اروپای غربی به خصوص فرانسه و انگلستان به سمت سکولاریزاسیون دارند پیش می‌روند ولی سایر کشورهای جهان بیشتر دارند مسیحی و مسلمان می‌شوند. پیتر برگر در جایی از کتابش می‌گوید یک چیزی را آیت‌الله‌های ایرانی فهمیدند اما متفکران غربی نفهمیده‌اند و آن این که دین نه تنها افیون توده‌ها نیست بلکه می‌تواند موجب بیداری ملت‌ها و برپا کردن انقلاب و تمدن باشد.

هاشمی افزود: در اواخر قرون وسطی دومیکن‌ها و نومیالیست‌ها بیشترین قدرت را داشتند. به تدریج نومیالیست‌ها قدرت بیشتری یافتند. این‌ها برای رابطه میان انسان و خدا تعریف جدیدی ارائه دادند. در این تعریف انسان و خدا در دو سر یک طیف هستند و هر دو به یک معنا وجود دارند. مثلاً وقتی خداوند در انجیل می‌گوید من قدرتمند هستم دقیقاً به همان معناست که انسان قدرتمند است با این تفاوت که قدرت انسان محدود و قدرت خداوند نامحدود است. آن‌ها حتی حضرت مسیح را نیم انسان و نیم خدا می‌دانستند چون او را پسر خدا می‌دانستند.

وی ادامه داد: این دیدگاه در نگاه نیوتن هم بود که معتقد بود ما چون نیمه‌خدایی داریم از میمون‌ها بیشتر می‌فهمیم و می‌توانیم با تفکر در طبیعت ذهن خدا را بخوانیم و بر طبیعت مسلط شویم. دکتر هاشمی تأکید کرد: می‌بینید که در ابتدای مدرنیته چگونه علم و دین به هم پیوند می‌خورند. خدا ناباوری علمی به نوعی ریشه در آن تفسیر مسیحی از رابطه انسان و خداوند دارد که قدرتی‌خدایی را به انسان نسبت می‌دهد. به همین دلیل خدا ناباوری علمی تا این میزان مبلغانه است. خدا ناباوری علمی دین را نوعی ندیدن واقعیت عینی و جهل می‌داند و علم را روشنایی تلقی می‌کند.

مرتضی هاشمی در انتها این گونه نتیجه‌گیری کرد: خدا ناباوری دین دارانه جدید ریشه در تفسیر نومیالیستی از رابطه انسان و خدا دارد و انسان را همانند خداوند یگانه و فاعل ما یشاء می‌داند. جالب است بدانید تفسیر نومیالیست‌ها از معجزه پیامبران بر این اساس بوده است. دیدگاه خدا ناباوری دین دارانه حقیقت‌ها را در درون ما می‌داند و دین را هم یک سیستم فکری مشابه می‌داند. اما پساکولاریسم آگاهی به گسست روایت‌های سکولاریستی در تضعیف قطعی دین و دین‌داری است.